



## در محکومیت تروریسم و نسل کشی انسانها در آمریکا!

مهنوش موسوی

دولتی در این دنیا نمیتواند و نباید جایی در زندگی مردم داشته باشد. تعیین تکلیف نهایی با این وحشیگری در هر شکل و فرم آن با جریان واقعه آمریکا، اکنون دیگر به جلو صحنه سیاست رانده شده است.

روز ۱۱ سپتامبر دنیا شاهد یک فاجعه انسانی بود. تا کنون رسماً رقم ۲۰ هزار نفری انسانهایی که جان خود را از دست داده اند، به دنیا مخایره شده است. گفته میشود که ابعاد فاجعه بسی بزرگتر از این است.

هزاران هزار نفر قربانی تروریسم وحشیانه و سازمان یافته شدند. ترس، وحشت، نا امنی، درد و رنج ناشی از این خشونت باور نکردنی، احساسات همه مردم دنیا و چهره زندگی آنها را در همین چند روزه عوض کرد. قاتلین این ترور و قتل عام مردم هر که باشد، تغییری در این واقعیت نمیدهد که مدتهاست برای تروریسم دولتی و غیر دولتی در این دنیا، جان و زندگی خود انسانها بی ارزشترین هدف است. کشتار و قتل عام مردم بی دفاع، وسیله ای برای اعمال فشار سیاسی بر یکدیگر است. وجدان بیدار انسان قرن بیست و یکم، چنین خشونتی را در اساس محکوم میکند. تروریسم دولتی و غیر

پاسخ و راه مقابله با ترور و خشونت، همانگونه که منصور حکمت اعلام کرد، خشونت و نظامیگری متقابل نیست. انتقام، قتل عام متقابل و خشونت نظامی خود جزو بازتعریف همین تروریسم به گونه دیگر است. یگانه راه جارو کردن تروریسم از تصویر زندگی انسانی در این قرن، دولتها و جنبشهای ارتجاعی که تروریسم را به وسط میدان تقابل سیاسی کشانده اند، به میدان آوردن مردم و پاسخ سیاسی به مسائلی است که ترور و خشونت را در سطح دنیا موجب شده اند. در میدان حضور سیاسی مردم، خشونت و راه حل نظامی از هر طرف و به هر شکلی که باشد جایی ندارد. مسابقه تروریستی،

بیانیه سازمان  
جوانان کمونیست  
آینده از آن ماست!  
به ما بپیوندید!  
صفحه ۲

کار و زندگی  
جوان کارگر در  
ایران!  
صفحه ۲

جوانان شلاق  
میخورند. سران رژیم  
چنین میگویند:  
صفحه ۳

بدون کنکور  
صفحه ۴

مدرسه رفتن  
در جمهوری  
اسلامی!  
صفحه ۴

رادیو انترناسیونال  
۲۵ متر  
۱۱۶۳۵ کیلوهرتز  
۹ تا ۹:۴۵ شب  
بوقت تهران  
radio7520@yahoo.com  
به دیگران اطلاع بدهید  
تلفن:  
0044 771 461 1099  
اطلاعات و پیامگیر رادیو  
0044 208 962 2707

برگشته است، تعیین تکلیف با اسلام سیاسی و تروریسم پرورده شده و خشونت سازمان یافته در دامان آن، به امر مبرم و حیاتی کمونیسم کارگری در رأس جنبشهای مردم منطقه بدل شده است. کمونیسم کارگری با بسیج کارگران و مردم در این منطقه بر علیه تروریسم و وحشی گری، بر علیه اسلام سیاسی، به اهتزاز در آمدن پرچم آزادی، برابری، صلح و رفاه و خوشبختی انسان را علیه این ارتجاع و علیه این نسل کشی تضمین خواهد کرد.

میلیتاریستی، داغ کردن کوره ناسیونالیسم و راه بازکردن برای دستجات راسیستی و باندهایی، به همان میزان مدنیت و جامعه انسانی را در معرض مخاطرات جدی قرار می دهد که تروریسم! ما این عمل وحشیانه و قتل عام دهها هزار نفر مردم بیگناه را قاطعانه محکوم میکنیم. ما همدردی عمیق خود را با مردم و بازماندگان این فاجعه اعلام میکنیم. اکنون که نگاهها برای پیدا کردن قاتلین به سمت خاورمیانه و پایگاه تروریسم اسلامی در منطقه

خانواده خود بخشی از شبکه عرضه فحشا در جامعه هستند. تصورشان تکان دهنده است. از طرف دیگر دیرپسیون اجتماعی، عدم اطمینان از آینده، عدم اطمینان از دستیابی به یک زندگی انسانی و مرفه موجب گسترش این بیماری اجتماعی است. حتما میدانید که تعداد خودکشی در میان جوانان و بخصوص دختران جوان به شدت بالاست و طبق گفته مقامات رژیم بیشترین درصد را در جهان دارد. به دیرپسیون اجتماعی باید خودسوزی را هم اضافه کرد. این سهم جوان امروز در جمهوری اسلامی است.

از سهم جوانان از زندگی است. معضلات اجتماعی نیز مانند اعتیاد، فحشا و افسردگی روحی بخش دیگری از سهم جوانان در جامعه است. اعتیاد از دبستان شروع میشود. خودشان میگویند حدود ۵۰۰ هزار نفر در سطح مدارس معتاد به مواد مخدر سنگین هستند. اینها مصرف کنندگان تفننی مواد مخدر نیستند. معتاد دائمی هستند. از قرار در رژیم اسلامی این فقط مذهب نیست که افیون جوانهاست، خود افیون واقعی هم سهم بزرگی از زندگی نسل جوان از زندگی را تشکیل میدهد. از طرف دیگر فحشا در جامعه بیداد میکند. فحشا و تن فروشی به یک معضل و پدیده اجتماعی تبدیل شده است. به شیوه کسب هزینه تحصیل و زندگی تبدیل شده است. شبکه های مافیایی فحشا شکل اصلی عرصه فحشا در جامعه است. اما نادرست است اگر تصور کنیم که فقط این باندهای مافیایی هستند که عرضه کننده فحشا در جامعه هستند. فاجعه در این است که پدران و مادران و اعضای



## کمونیسم نماینده مطالبات و آرزوهای امروز نسل جوان است!

گنگوگی جوان کمونیست با علی جوادی از  
مرکزیت حزب کمونیست کارگری ایران!

راک، و رپ گوش بدهند. مانع رفع طبیعی ترین نیازهایشان از جمله نیازهای جنسیشان شدهاند. نمیتوانند با یکدیگر آزادانه رابطه داشته باشند، به هم عشق بورزند، و با هم زندگی و کار کنند. پردهای آهنین در جامعه، در مدارس، در دانشگاه، در محیط کار، کشیدهاند که از دیوار چین هم ضخیم تر است. عبور از این دیوار مجازات سنگینی دارد. جوان بودن، مانند زن بودن در آن جامعه اسلام زده جرم است. جوانان مانند مجرمین جنایی تحت تعقیباند. علاوه، جوان امروز اساسا انسان فقیری است، از رفاه محروم است. از فردای خودش بی خبر است. نمایانند زمانیکه به سن قانونی رسید، چه باید بکند، کدام شغل، کدام آینده در انتظارش است؟ ننگ آور است! اما این تنها گوشه‌ای

جوانان کمونیست : چرا جوانان باید از میان آلترناتیوهای موجود سیاسی راه حل و آلترناتیو کمونیستی را انتخاب کنند؟

علی جوادی : به این علت که کمونیسم راه حل مسائل جوانان است! ببینید امروز، دختر و پسر، در جمهوری اسلامی انسانی تحقیر شده و فرودست است. آزادی عمل ندارد. بخاطر مدل مو و نوع لباسش تو سرش میزنند. بخاطر ماتیکش شلاقش میزنند. لاک ناخنش هشتاد هزار تومان و خط چشمش چهل هزار تومان جریمه دارد. بزور حجاب سرش کردند؟! در کلاس درس برایش جاسوس گذاشتاند. جوانها را از طبیعی ترین نیازهای انسانی محروم کردهاند. آزاد نیستند به موزیک مورد علاقتشان، به هوی متال، هارد

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## کمونیسم نماینده مطالبات و آرزوهای امروز نسل جوان است!

پرستی و خرافات مذهبی است. جوان امروز خواهان علم و دانش و تمدن است. کمونیسم جنبشی برای کوتاه کردن دست دستگاه مذهب از زندگی جوانان و مردم است. جوان امروز خواهان رفاه و تامین اقتصادی است. کمونیسم جنبشی برای رفاه اقتصادی و برابری در برخورداری از امکانات رفاهی جامعه است. کمونیسم یعنی آزادی و برابری انسانها. کمونیسم یعنی برابری زن و مرد. کمونیسم یعنی خلاصی از شر مذهب و آخوند. کمونیسم یعنی ترقی و تمدن. اما آلترناتیوهای دیگر هر کدام به درجات متفاوت ادامه وضعیت موجودند. تنها آلترناتیو کمونیستی پایانی بر این وضعیت نکبت بار موجود است.

### جوانان کمونیست : برخلاف

شما برخی از نیروهای سیاسی اپوزیسیون از جمله سلطنت طلبان راه حل بسیاری از معضلات جوانان را به لحاظ اقتصادی در سیستمی سرمایه داری البته بدون جمهوری اسلامی جستجو میکنند. پاسخ شما چیست؟

**علی جوادی :** ببینید سیستم سرمایه داری خودش مسبب چنین وضعیتی در جامعه است. سرمایه داری پاسخ نیست. خود معضل و ریشه مصائب موجود است. ما در زمان آدم و حوا زندگی نمیکنیم! که اگر جوانان کار نداشتند، خانمانی نداشتند، بهداشتی نداشتند، تامينی نداشتند، دسترسی به علم و دانش و فرهنگ و موسیقی و ورزش نداشتند، ظاهرا مسئلهای هم نداشتند! تازه شاید هم فکر میکردند که در بهشت هم زندگی میکنند! رایج به برده و رعیت هم صحبت نمیکنیم که عدای در فکر تراشیدن شاهزاده و شاه برایشان هستند؟! ما در اوائل قرن بیست و یکم زندگی میکنیم، در عصر

## بیانیه سازمان جوانان کمونیست آینده از آن ماست! به ما بپیوندید!

جامعه‌ای بری از جهل و خرافات سیاه اسلامی پاسخ میخوانند. رژیم اسلامی از مهار مبارزه ما عاجز است. جنبش اعتراضی رو به رشد و بالقوه بسیار عظیم ما علیه نابرابری و بی عدالتی و خفقان و حاکمیت سیاه مذهب، بخشی از نیروی انقلاب آزادیخواهانه طبقه کارگر برای خلاصی مردم و جامعه ایران از بختک رژیم اسلامی و برپائی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی است.

سازمان جوانان کمونیست متعلق به سنت مارکس و جنبش آزادیخواهانه کمونیسم کارگری برای دگرگونی جهان و برپائی یک دنیای بهتر است. ما دشمن استشار و نابرابری، تبعیض و بی‌عدالتی، فقر و محرومیت، زن ستیزی و بی‌حقوقی سیاسی و اقتصادی مردم هستیم. ما مذهب و ملیت و خرافه و سنت‌گرایی نمیخواهیم. ما میخوانیم در جامعه‌ای زندگی کنیم که در آن آزادی و برابری حکم کند و عشق به همنوع مبنای جامعه باشد. ما همه آزادی را میخوانیم و برای تحقق آن به میدان آمده‌ایم. ما برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، نابودی نظام سرمایه داری و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی در ایران مبارزه میکنیم.

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید و برای برافراشتن هرچه قویتر پرچم سوسیالیسم در صحنه نبردهای آتی متشکل شوید. آینده از آن ماست!

سازمان جوانان کمونیست

۶ دیماه ۱۳۷۸ (۲۷ دسامبر ۱۹۹۹)

## جوانان کمونیست

انقلاب انفورماتیک و اینترنت زندگی میکنیم. نتیجتا باید در زمینه نیازها، رفاه، آزادی، و امکان رشد استعدادها و خلاقیت جوانها صحبت کنیم. در حال حاضر، سالی یک میلیون جوان در ایران وارد بازار کار میشود. من میروم: شرایط کار، ساعات کار هفتگی، میزان دستمزد، این جوان امروز و کارگر فردا، چگونه خواهد بود؟ میزان دستمزدش کفای چه نوع زندگی‌ای را خواهد داد؟ آیا درآمدش بالای خط فقر خواهد بود؟ یا زندگیش قرار است شبیه زندگی کارگر در بنگلادش، چین، یا فیلیپین امروز باشد؟ آیا آزاد خواهد بود تا تشکل کارگری خودش را بوجود بیاورد؟ آیا اعتصاب آزاد خواهد بود؟ تا هر زمان لازم بود بخاطر بهبود شرایط کار و دستمزدش دست به اعتصاب بزند. یا این بار هم، بخاطر "سازندگی" و موقعیت ویژه مملکت" و امثالهم جواب اعتصاب را ارتش و سپاه و تفنگ خواهد داد؟ آیا باز هم کارفرما، مجاز خواهد بود بخاطر سود هر بلایی سر این کارگر فردا بیاورد؟ اخراجش کند، بیکارش کند. تنبیهاش کند؟ آیا محیط کارش شبیه قتلگاه خواهد بود؟ اگر فردا کاری بدست نیآورد چه بلایی بر سرش خواهد آمد؟ آیا دولت به همه کسانی که آماده به کارند، بیمه بیکاری مکتفی خواهد داد؟ یا اینکه باید به خیل میلیونی کارگران بیکار بپیوندند؟ و هستی‌اش را، زندگیش را، عمرش را، از دست بدهد؟ به این

ترتیب: آیا اقتصاد جامعه را باید بر مبنای سود سازمان داد و به دنبال کسب سود هر بلایی سر کارگر آورد، یا بر مبنای رفع نیازمندیهای متنوع انسانها؟ کدامیک؟ شما بگوئید؟ آیا بازهم نقطه قوت اقتصاد فردا قرار است کار ازان و کارگر خاموش باشد؟ آیا محرومات زندگی و رفاه اقتصادی کارگر فردا را شرایط وام دهی آیف و بانک جهانی و نیازمندیهای حرکت سرمایه تعیین خواهند کرد؟ آیا جوان امروز، کارگر فردا، قرار است، کار کند، تا استشار شود؟ یا قرار است بر حسب توان و ذوقاش فعالیت کند تا نیازمندیهای خودش و جامعه را تامین کرده و به نسبت نیازش از امکانات رفاهی جامعه برخوردار گردد؟ کدامیک؟ آیا زندگی و نیازهای این جوانان را باز هم، مکانیسم بازار" و رقابت" تعیین خواهند کرد؟ یا نه؟ آیا جوان امکان آترا خواهند داشت تا بمشابه شهروندان جامعه‌ای آزاد تواناها و قابلیت‌های خودشان را رشد دهند، از زندگی لذت ببرند، تفریح کنند، شاد باشند، و تاریخ بشری را بر ویرانه‌های زشتی‌های کنونی، از نو بسازند؟ کدامیک؟ آیا قرار است با این کارگر فردا هم، مثل یک عامل تولید، مثل ماشین رفتار شود، که زبان ندارد، حق اظهار نظر ندارد، و لاجرم اراده‌ای هم ندارد؟ آیا در جامعه فردا، باز هم پول و موقعیت طبقاتی سرنوشت زندگی انسانها را رقم خواهد زد؟ آدمها دارای همان خصوصیات خواهند بود که پولشان کمونیسم راه رهایی بشریت است.

## کار و زندگی جوان کارگر در ایران!

یوسف حداد شهری



زندگی کردن جوانان در ایران مثل یک جهنم است و زندگی برای نسل جوان کارگران جهنمی سوزان است. کارگر که میگویم فقط منظورم بر خلاف معمول فقط مردان کارگر نیست، منتهی واقعیت این است که من از زندگی خودم به عنوان یک مرد جوان کارگر میتوانم بگویم.

در زمستان سرد سال ۶۸ بود که خدمت سربازی ام را تمام کردم مثل تمام جوانان دیگر در این برهه از زندگی ضمن اینکه خوشحال هستی که از یک بیکاری دولتی خلاصی پیدا کرده ای ولی دلشوره ای حاکی از بی اقبی برای زندگی آینده بدون کسب هیچ نوع مهارت فنی در زندگی داشتیم. به خاطر علاقه ام به فوتبال مدتی در تیم فوتبال کارخانه ایران ناسیونال سابق و ایران خودرو فعلی بازی میکردم. تمام تلاشم این بود که کاری پیدا کنم و مثل اغلب جوانهای کارگر به زندگیم سرو سامانی

بدهم. بعد از بیش از یکسال که جویای کار بودم و از این شهر به آن شهر درگیری میکشیدم، دست آخر با وجودیکه از خانواده شهید گردن کلفتی نبوده ویا بستگان حزب الهی گردن کلفتی نداشتم، توانستم که به عنوان کارگر روز مزد در کارخانه ایران خود رو با حداقل حقوق استخدام شوم . خیلی خوشحال بودم که عاقبت توانسته بودم بعداز یک سال درگیری کاری بیابم و دیگر برای مخارج شخصی ام محتاج خانواده ام نباشم. جوان کارگر در ایران راهی به جز این برای استقلال خود ندارد. من ۲۳ سال داشتم و در این کارخانه که قریب ۱۷ هزار کارگر کار میکردند، میتوانم بگویم بیش از ۱۳ هزار نفرش جوان بودند. ترکیب جوان کارگران کارخانه باعث میشد که فضای سیاسی و رفتاری کارگران و محیط کار هم متفاوت باشد. ما میتوانستیم کارگران نسل قبلتر را درک کنیم ولی آنها کمتر ما را میفهمیدند. بیکشان اول هر ماه می آمد و تا آخر هر ماه شبانه روز در کارخانه میماند و اضافه کاری میکرد وقتی میپرسیدیم میگفت به خنا مجبورم قرض دارم. وقتی خانه میروم بچه هایم به من میگویند عمو!

یادم هست که یک بار خودم و ۳ نفر دیگر از دوستانم خط خودمان را به خاطر اینکه نمیخواستیم تن به اضافه کاری اجباری بدهیم خوبانیدیم. از ساعت ۴ و نیم صبح از خواب بلند میشدم و ساعت ۶ و نیم کار شروع میشد، به زور و اجبار گاه اوقات تا ساعت ۷ شب ما را نگه میداشتند و کار میکشیدند. چند ماهی که از شروع کارم گذشته بود یک روز صبح مرا به اطاق حفاظت و اطلاعات احزار کردند اول

## کار و زندگی جوان کارگر در ایران!

فکر کردم که خطائی مرتکب شده ام ولی بعد از کمی صحبت فهمیدم که خیر مسئله چیز دیگر است و مسئول آنجا که یکی از پاسداران اداره اطلاعات بود به نام حاج آقا مزینانی بود در ابتداء با تهدید و ارباب از من توضیح خواست که چرا بدون ریش و سبیل به محل کار می آیم و نانیا چرا در نماز جماعت محل کار حاضر نمی شوم وبعد از تمام اینها به دلیل اینکه دریافتی بود، من مدت زیادی به دنبال کار بوده ام می خواست با من وارد معامله ای بشود و به من گفت: اگر میخواهی در این شرکت بمانی و برای همیشه کارکنی بایستی که نه تنها بطور فعال در نماز شرکت کنی بلکه دیگران را نیز تشویق کنی. و در ضمن گاهی هم از افراد اخلاق گر و کار شکن به ما گزارش دهی! در آن لحظه انگار که برق سی و سه هزار ولت گرفتم آری از این به بعد باید باید نان دیگران را که از حقوق

فرستی کارگران استفاده میکردند که موزیک گوش کنند و حرفهای اینها را زیر پا بگذارند.

همه حرفهایشان ریاکارانه بود. ما از حرف زدن با زنان سکرتر و غیره محروم بودیم و گناه بود، مدیریت شرکت خودشان با تعدادی از زنان رابطه داشتند. اینقدر احمق بودند که حتی موقع بازدید مثلاً مهندسین زن آلمانی از خط ها، خط تولید را چنان تند میکردند که ما نتوانیم نگاه کنیم. شدت کار و بسته بودن تمام طول ساعت مفید زندگی در کارخانه اصلاً امکان اینکه کارگران در سیاست دخالت کنند را نمیداد و یا اینکه به یک نوعی نظر خودشان را نشان بدهند. کارگران بیشتر سعی میکردند با نظام همان در محیط کار در بیفتند. قوانین مذهبی را زیر پا بگذارند و یا اعتراض کنند که البته اعتراض هم جمعی بود و هم فردی. من فکر میکنم که اگر هم سن و سالهای من واقعاً یک روزی امکان این را پیدا کنند که خودی نشان بدهند در عرض

یک روز کارگران جوان کارخانه ها مملکت را زیر و رو میکنند. جوان باشی و کارگر هم باشی خودش فقط همین معنی را میدهد که با این نظام از هر دو جبهه مخالفی. کارگران این رژیم را نمیخواهند و انگار همه منتظر یک فرصتی برای سرنگونی آن هستند.



و محوطه ای را که قرار است حکم در این اجرا بشود قرق کرده، تا مانع بروز آنچه این جانیان به عنوان «اقدامات غیر مترقبه و پیش بینی نشده» می نامند، شده و بدین ترتیب قدر قدرتی و قلدری خودشان را به رخ مردم بکشند. این اقدامات در عین حال به خاطر ترس و وحشت خود آنها از گسترش اعتراض و مبارزه مردم در طی مدت اخیر در محلهای اجرای احکام است.

جانیان اسلامی از گسترش بی دینی، گرایش به سکولاریزم، تبلیغ و روشنگری برای جدایی دین از دولت به وحشت افتاده اند. آنها به این واقعیت اعتراف می کنند که تلاش های وسیعی برای سکولاریزم کردن جامعه ایران آغاز شده است، که بویژه جوانان همه چیز اسلام، حتی وجود خدا و قرآن را منکر می شوند، که در نماز جمعه هفته پیش تهران فقط ۲۰۰۰ نفر، آتهم از حیره خواران خودشان طوماری در «حمایت از اجرای احکام و حدود الهی» را امضا کردند، که دانشگاهها کانون تبلیغ بی دینی و بی توجهی به واجبات دین شده است، که امر به معروف و ونهی از منکر فقط در مساجد و با حضور تعداد قلیلی آن هم (لسانی) به پیش برده می شود. اینها حقایق اوضاع سیاسی ایران امروز است. یک وزنه اصلی این تحولات جنبش جوانان علیه اسلام و حکومت اسلامی است. با شلاق و اعدام نمیشود تاریخ را به عقب برگرداند.

خصوص به خبرنگار روزنامه انتخاب می گوید: هیچ کس مخالفتی با اجرای علنی حدود اسلامی ندارد و فلسفه حکومت اسلامی در اجرای احکام الهی است.

رژیم جمهوری اسلامی با تمامی جناح ها و دارودسته های حکومتی اش یک باردیگر بر ضرورت اجرای احکام ضد انسانی چون اعدام در ملاعام، شلاق زدن، سنگسار، اجرای مجازات اسلامی برای آنچه که آنها «گسترش لایبالی گری ویی بند ویاری، حفظ نوامیس اسلامی» می نامند، تاکید کردند.

\* ادخوند ایزد پناه معاون اجتماعی و اطلاع رسانی قوه قضائیه رژیم در این مورد به خبر نگاران می گوید: برای انجام این امر یعنی اجرای علنی حدود و احکام الهی در ملاعام، یگان ویژه ای در نیروی انتظامی در نظر گرفته شده است که اجرای حدود در ملاعام را به عهده دارد. این نیرو مستقیماً دستورات خود را از مقامات قضایی و دادگستری گرفته و با تنهایی مسئول اجرای اوامرو احکام صادره از طرف دادگاهها می باشد. معنای عملی این تصمیم بی نهایت ضد بشری سران رژیم چیزی نیست جز سازماندهی علنی جوخه های مرگ خیابانی. قرار است از این به بعد مراسم های اجرای این احکام با حضور نیروی انتظامی تا دندان مسلح و کماندوهای نقابدار علاوه بر تامین امنیت محل اجرای حکم، کل منطقه

تائید اظهارات شاهرودی به خبر نگار روزنامه آفتاب یزد می گوید: طبق آمارهایی که داریم اجرای حدود الهی در جامعه با استقبال مردم روبرو شده است. مروی اضافه کرد که، ۲۰ سال است می گویند برای مقابله با فساد باید کار فرهنگی کرد و ما نفهمیدیم که این کار فرهنگی چیست. وی تاکید کرد: «باید با اجرای حدود الهی جلوی فساد را بگیریم».

\* سردار قالیباف فرمانده نیروی انتظامی در خصوص اجرای احکام و نتایج این نشست به خبر نگار روزنامه رسالت گفت: مسئولان اجرایی قضایی در باره مجازات علنی افراد شرور خیابانی، مزاحمین نوامیس مردم و عناصر لایبالی که سابقه شرارت های فراوان دارند توافق نموده اند که در این زمینه ها مجازات باید علنی باشد.

\* الهه کولایی نماینده مجلس و عضو کمیسیون امنیت ملی می گوید: مجموعه مباحث، بیانگر این واقعیت بود که در باره اجرای حدود مشکلی وجود ندارد آنچه مطرح بود، کیفیت این امر و پیامدهای منفی اجتماعی و سیاسی، داخلی و خارجی آن بود.

\* کمال خرازی وزیر امور خارجه می گوید: باید مکانیزم ها و روش هایی را به کار گرفت که هم حدود اسلامی و الهی اجرا شود و هم در عین حال از بروز آثار منفی آن جلوگیری شود. \* موسوی لاری وزیر کشور در این



### جوانان شلاق میخورند. سران رژیم چنین میگویند:

محمد شکوهی

حدود دوهفته پیش روزنامه های رژیم خبر از تشکیل اضطرابی با حضور وزاری دادگستری، خارجه، کشور، اطلاعات و قوه قضائیه به منظور بحث و ارزیابی از نحوه و شیوه اجرای احکام و حدود الهی و اسلامی و چگونگی اجرای این احکام در ملا عام دادند. همزمان روزنامه های دوم خردادی و سران آن در اردوی دفتر تحکیم وحدت انتر باب «قانونمند کردن و شکل اجرای قانونی این

احکام» و در نظر گرفتن «مصلحت نظام اسلامی» و جلوگیری از آثار مخرب آن، که «چهره ای خشن از جمهور اسلامی» را به نمایش می گذارد، به سخن پراکنی پرداختند. جوانان باید شلاق بخورند و سران هر دو جناح رژیم که در این باره توافق کامل دارند، اینطور میگویند:

\* شاهرودی رئیس قوه قضائیه رژیم در جلسه مسئولین قضایی جمهوری اسلامی یک بار دیگر بر ضرورت اجرای احکام و حدود الهی در ملا عام تاکید کرد. این جانی پس از اتمام جلسه ویژه با وزاری دادگستری، کشور، خارجه، اطلاعات، و مسئولین کمیسیون امنیت ملی مجلس باردیگر مصمم بودن رژیم بر اجرای قوانین اعدام، شلاق، حدود الهی تاکید کرد و گفت: احکام و جرایمی که بطور علنی و آشکار در جامعه انجام شده و تاثیر سوء اجتماعی داشته باشند، در ملا عام اجرا می شود.

\* مروی معاون اول قوه قضائیه ضمن

### برنامه رادیویی سازمان

### سازمان جوانان کمونیست

از

### رادیوانترناسیونال

۲۵ متر

۱۱۶۳۵ کیلو هرتز

هر هفته شنبهها

۹:۳۰ تا ۹:۴۵ شب

بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

## دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

## بدون کنکور

نازی برافروز

به محیط درسی آزاد. کلاسهای جدا. استادهاى زنانه مردانه شده. تدریس قرآن و توضیح المسائل سر کلاس آناتومی، سر کشیدن عمامه به سرها وسط کلاس و کنترل روسری دانشجویان و یا حرفهای استاد. بی امکاناتی مطلق و سرکشیه کردن جوانان. دانشگاه نیست یک نوع بیزنس است. دانشگاه رفتن و امکان تحصیل جزو حقوق بدیهی و مدنی همه مردم است. بساط کنکور باید برچیده شود. حق برخورداری از امکانات آموزشی موجود در جامعه جزو حقوق پایه ایی همه جوانان امع از زن و مرد است. آموزش عالی رایگان و در دسترس برای همه متقاضیان حق همه است. پرداخت کمک هزینه کافی و تأمین زندگی دانشجویان و جوانان و این مردم است. رشد دائمی سطح سواد و اطلاعات علمی و فنی مردم جزو وظایف اصلی یک دولت است. آموزش حق همه است و دسترسی افراد به برخورداری از این حق باید مستقل از سطح در آمد خانواده و موقعیت فرد باشد. دست دین و مذهب باید از سر محیط های آموزشی کوتاه شود. اینها جزو خواستهای ما در برنامه یک دنیای بهتر است. دست یابی به این خواستها تنها با از میان برداشتن خود این حکومت به عنوان مانع اصلی دسترسی مردم به حقوق فردی و مدنیشان میسر است. ما چنین دنیایی میخواهیم و یک روز پس از سرنگونی جمهوری اسلامی این خواستها به عنوان قانون اساسی مملکت اعلام خواهد شد. در جمهوری سوسیالیستی زندگی جوانان، کار و تحصیل و آینده آنها معنا و شکل دیگری به خود خواهد گرفت.



## مدرسه رفتن در جمهوری اسلامی!

مصاحبه با هانیه پیروز

### جوانان کمونیست: برای خوانندگان

نشریه جوانان کمونیست میتوانی خودت را معرفی کنی؟

**هانیه پیروز:** من هانیه هستم، ۱۷ سال دارم و یکسال و خردده ای هست که از ایران به اتفاق خانواده ام فرار کردم و در اروپا زندگی میکنم، وقتی از ایران خارج میشدیم من کلاس اول دبیرستان بودم.

اولین خاطره ات از مدرسه رفتنت چیست؟ ۹ ساله بودم که اعلام کردند از فردا به بعد همه باید مقنعه و حجاب و غیره را در همه جا و نه فقط مدرسه رعایت کنید و اعلام کردند که مراسم میگیریم. همه همکلاسیهای مرا و از کلاسهای دیگر در یک سالن جمع کردند. همه مقنعه سفید به سر کرده بودیم. سرود و دعا خوانی کردند و به عنوان هدیه یک چادر نماز و یک جانماز دادند. این جشن جشن تکلیف بود. این اولین خاطره ای است که به خاطر بد بودنش همچنان یادم ماند. مدیر مدرسه برای ما سخنرانی میکرد. او به ما میگفت دیگر شما خانمهای بزرگی شده اید، نباید مردان نامحرم شما را ببینند. باید خودتان را از مردان بپوشانید. شما به سن بلوغ رسیدید و دوران بچگی شما تمام شده است. حرفهای مدیر مدرسه نه الان بلکه همان موقع هم به نظرم غیر قابل قبول بود. نمیتوانستم قبول کنم که من دیگر نمیتوانم با امیر که همبازیم بود بازی کنم چرا که زن شده بودم. اصلاً همین کلمه زن شلی را نفهمیدم یعنی چه، چون من همیشه زن و مرد شدن را با پلر و مادرم مقایسه میکردم و همیشه فکر میکردم وقتی زن میشوم که شکل و قیافه مادرم بشوم. وقتی جلو آینه به خود نگاه میکردم تعجب میکردم چرا خانم مدیر میگوید زن شلی چون اصلاً شبیه به مادرم نبودم. کل این جشن و با هدیه مسخره اش گفتم نه با آگاهی الانم بلکه همان موقع هم فقط روحیه ما را خراب کرد و برایم قابل قبول نبود.

**جوانان کمونیست:** از چه وقتی و

در کدام کلاس بودی که رفتار آنها در محیط مدرسه به نظرت قابل قبول نمی آمد، چه رفتاری؟

**هانیه پیروز:** از کلاس اول راهنمایی بود که دیگر کاملاً میفهمیدم که بسیاری از رفتار آنها با ما قابل قبول نیست. به سرعت در مدرسه راهنمایی فهمیدم که کلاس بالاتری ها آزادتر هستند و یک برخورد دائمی بین آنها و معلمان و مدیر مدرسه وجود دارد. مدام هر کاری خودشان میخواستند میکردند و همیشه به این خاطر یک پایشان در دفتر بود. همیشه بین آنها و مسئولین مدرسه کشمکش بود. آنها کوتاه نمی آمدند. من به نظرم کارهای آنها غلط نبود. اینکه بلند میخندیدند. اینکه موهایشان را درست میکردند. ماتتهای بلند مثل کیسه تن نمیکردند، به سلیقه خودشان لباس میپوشیدند، زنگ تفریح ها به موزیک از طریق رادیو گوش میکردند. همه اینها را من همان موقع حق خودم و همه میدانستم. حق تجمع همیشه در مدرسه ما ممنوع بود. درسها به نظرم بسیار خردکننده بود، تشنه یادگیری علم بودیم ولی باید قرآن و زبان عربی و پرورشی یاد میگرفتیم. خیلی از بچه ها میدانستند که در دنیای پیشرفته امروز حفظ کردن یک سوره بلند قرآن مسخره است. فرار از درس و مدرسه یک امر کاملاً رایج بود. هیچوقت یاد نمیرود که روز اول ورودم به دبیرستان پاسداران، مدیر مدرسه به همه گفت کسی در اینجا نمیتواند از دیوار فرار کند. همان موقع به فکر فرو رفته که حتماً شرایط اینجا خیلی سخت است که کار به فرار کشیده میشود. اگر خلاصه بگویم از دوره دبستان تا دانشگاه قدم به قدم یک فشار سیستماتیک روی دانش آموزان گذاشته میشود به نحوی که خیلی از جوانان تاب نیابند و فرار میکنند.

**جوانان کمونیست:** از خود دانش آموزان و مشکلاتشان به چه نکاتی میتوانی اشاره کنی؟

**هانیه پیروز:** وضعیت فقر و محرومیت خانواده های دانش آموزان خیلی زیاد روی روحیه بچه ها تأثیر

داشت. یکی دیگر از مشکلات دانش آموزان و بویژه دختران فرهنگ خود خانواده ها در برخورد به جوانان بود. محدودیتهای مذهبی و غیره بود. همه این مشکلات باعث شده بود که غالب دوستان خود من و بچه های مدرسه سیاسی بودند و به نظام بد میگفتند و میخواستند که این رژیم برود. خیلی از بچه ها نه فقط رژیم را قبول نداشتند بلکه معروف بودند که چپی هستند و ما خودمان میدانستیم که کمونیست هستیم. خود من فقط کلاس اول دبیرستان آنجا بودم و توجهم خیلی به چپی ها جلب شده بود. فرار من و خانواده ام از ایران و آمدنم به اروپا به من فرصتی داد که کمونیستها را بشناسم. من خودم را الان یک چپی میدانم به این خاطر هم عضو سازمان جوانان کمونیست هستم.

در آخر حرفهایم میخواستم بگویم که من هم دانش آموزی در نظام جمهوری اسلامی بودم و هم الان در اروپا در مدرسه درس میخوانم. من واقعاً نمیتوانم بگویم که چه فرق زیادی هست بین مدارس اینجا و ایران. اگر خلاصه کنم اینکه اینجا واقعاً اینقدر راحت هستی که مدرسه میروی درس بخوانی و یاد بگیری و فشارهای سنگینی که روی نوجوانان و جوانان دانش آموز هست وجود ندارد، البته من فکر میکنم که در مقایسه با خواستهای برنامه یک دنیای بهتر که برنامه حزب کمونیست کارگری ایران برای تغییر نظام هست، حتی با اروپا هم قابل مقایسه نیست، من فکر میکنم اگر همین حد این آزادیها عملی هست پس میشود در ایران هم زندگی بهتری برای جوانان فراهم کرد. من خیلی دلم میخواست که همکلاسیهای من میدانستند و میفهمیدند که ما چه برنامه ایی برای عملی کردن نظام متنفرند باید حتماً برنامه یک دنیای بهتر را هرطور شده گیر بیاورند و بخوانند که بدانند و آگاهی پیدا کنند. من فکر میکنم که دانش آموزان آگاه میتوانند خیلی نقش زیادی در اینکه ما بتوانیم در ایران نظام را سرنگون کنیم و یک دنیای بهتری را بسازیم دارند. دانش آموزان دبیرستانها واقعاً خیلی خیلی آگاه هستند.

## جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان کمونیست

سردبیر: بهرام مدرسی

تلفن: 0049 174 944 0201

آدرس سایت : [www.jawanan.org](http://www.jawanan.org)  
email: [javanane-komunist@web.de](mailto:javanane-komunist@web.de)

آدرس پستی: Jawanan  
Postfach 62 05 15  
10795 Berlin /  
Germany

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست در اروپا:

0045 28 15 94 06

0044 776 110 66 83

0049 173 2 98 98 98

0046 70 48 68 64 7

0049 172 295 76 03

دانمارک: لایلا ضمیر نژاد

انگلستان: فرشاد پویا

آلمان: نهبز احمدزاده

سوئد: مریم طاهری

دبیرسازمان جوانان کمونیست، بهروز مدرسی

[www.haftegi.com](http://www.haftegi.com)

[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

[www.wpibriefing.com](http://www.wpibriefing.com)

[www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

[www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)

[www.medusa2000.com](http://www.medusa2000.com)

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!